

اعتباریابی و رواسازی ابزار پیوند والدینی (PBI) در دانش آموزان Investigating The Reliability and Validation of the Parental Bonding (PBI) in students Instrument

Dr Mansour Bayrami

Professor, Department of Psychology, University of Tabriz

Mina Mohebbi

Ph.D. Student, Educational Psychology, University of Tabriz
minamohebbi66@yahoo.com

دکتر منصور بیرامی

استاد گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز

مینا محبی

دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی تربیتی، دانشگاه تبریز

چکیده

Abstract

Parental Bonding Instrument (PBI), a widely used measure for assessing perceived parenting. There are different ideas about whether the PBI is a two-factor or a three-factor measure and recent studies have proposed five different factor structures. The aim of the current study was to survey of reliability coefficients of PBI models and identity of the model fit of PBI in Iranian population. The participants of this study were 256 female high school students who were selected by cluster multiple-stage random sampling method. The results indicate that PBI models in care factors had good internal consistency and in other factors had tolerable or weak internal consistency. Also, confirmatory factor analysis showed support for three-factor structures. Furthermore, results of this research indicate that among the three-factor models of PBI, the kendler model fitted the data and is a valid and reliable instrument of parent-child relationship for students.

Key words: Parental Bonding Instrument (PBI), reliability, confirmatory factor analysis, students

ابزار پیوند والدینی (PBI) مقیاسی بسیار کاربردی برای سنجش فرزندپروری ادراک شده است. در مورد دو یا سه عاملی بودن PBI دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و مطالعات اخیر پنج ساختار عاملی متفاوت را پیشنهاد کرده است. هدف پژوهش حاضر بررسی ضرایب پایایی الگوهای PBI و شناخت الگوی مناسب این ابزار در نمونه ایرانی بود. شرکت‌کنندگان پژوهش ۲۵۶ دانش‌آموز دختر دبیرستانی بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. نتایج نشان داد که الگوهای PBI در عوامل مراقبت دارای همسانی درونی خوب و در سایر عوامل از همسانی درونی قابل قبول و یا ضعیفی برخوردارند. همچنین، نتایج تحلیل عامل تأییدی برازش قابل قبولی را برای ساختارهای سه عاملی نشان داد. افزون بر این، نتایج این پژوهش نشان داد که در بین الگوهای سه عاملی PBI، الگوی کندلر برازنده داده‌هاست و به عنوان ابزاری قابل قبول در اندازه‌گیری روابط والد-فرزندی در جامعه دانش‌آموزان قابل استفاده است.

کلید واژه‌ها: ابزار پیوند والدینی، پایایی، تحلیل عامل تأییدی، دانش‌آموزان

مقدمه

پیوند والدینی^۱ یکی از شیوه‌های جدید موجود در تربیت فرزند است که به عقیده بالبی^۲ (۲۰۰۵) پیوندی بسیار متداول و مؤثر در روابط انسانی بوده و نقش مهمی در رشد شخصیت و کارکردهای روانشناختی دوران بزرگسالی ایفا می‌کند (پارکر، باررت و هیکی،^۳ ۱۹۹۲، به نقل از شهینی‌بیلاق، بساک‌نژاد و محبی، ۱۳۹۰). پارکر (۱۹۷۹) معتقد است که پیوند والد-کودک حالتی است عاطفی که به ویژگی‌های کودک مثل تفاوت‌های فردی در رفتار دلبستگی، ویژگی‌های والد یا مراقب، تأثیرات روانشناختی و فرهنگی و همچنین ویژگی‌های ارتباط متقابل، پویا و رشد یابنده بین کودک و والد بستگی دارد.

1. parental bonding
2. Bowlby
3. Parker, Barrett & Hickie

برای اولین بار، پارکر، تاپلینگ و برون (۱۹۷۹) عبارت پیوند والدینی را به منظور سنجش کیفیت دلبستگی افراد بزرگسال به والدین در طی ۱۶ سال اول زندگی، مطرح کردند. این محققان پیوند والدینی را با استفاده از نظریه دلبستگی (آینزورث و بالبی، ۱۹۹۱) و پژوهش‌هایی که در آن‌ها به بررسی رابطه پیوند والدینی با مجموعه‌ای از نشانگان دوران بزرگسالی پرداخته بودند، طراحی کردند. پیوند والدینی به دو عامل «مراقبت» و «حفاظت افراطی» تقسیم می‌شود. مراقبت، که در مقابل «بی تفاوتی/طرد» قرار دارد، در یک سو و حفاظت افراطی، که در مقابل «تشویق خودمختاری/استقلال» قرار دارد، در سوی دیگر قرار می‌گیرند (یوجی، تاناکا، شونو و کیتامورا، ۲۰۰۶). مراقبت به عنوان ابراز عواطف و حفاظت افراطی به عنوان ترغیب یا سرکوب کشف محیط توسط کودک اطلاق می‌شود. همچنین، عامل مراقبت هم از لحاظ نظری و هم عملی مهم‌ترین بعد پیوند والدینی در نظر گرفته شده است (پارکر و همکاران، ۱۹۷۹).

اهمیت پیوند والدینی، به ویژه از طریق اثراتی که بر کارکردهای جسمانی و روانشناختی کودکان دارد، قابل مشاهده است. گروولیک و ریان (۱۹۸۸) معتقدند والدینی که از خودمختاری فرزندانشان حمایت می‌کنند، یعنی دارای کنترل یا حفاظت‌گری کمی هستند، به آن‌ها اجازه می‌دهند تا یک حس برانگیزاننده درونی، رفتارها و اعمال آن‌ها را رشد دهد. رشد این حس در کودکان، باعث افزایش خودمختاری ادراک شده، احساس شایستگی و ادراک کنترل بیشتر بر اعمال خویش می‌شود. از طرفی، گاو، رایین، شان، ونابلس و مدنیک (۲۰۱۰) معتقدند که نوع پیوند والدینی با برخی از اختلالات روانشناختی در سنین بزرگسالی همراه است، به طوری که پیوند والدینی ضعیف مادرانه باعث ظهور شخصیت سایکوسوماتیک در فرزند می‌شود. همچنین، روانشناسان معتقدند که پیوند مادرانه از طریق مراقبت کم و حفاظت افراطی در ابتدا فرزندان به اختلال شخصیتی اسکیزوفرنی (وبلینگر، هیدن، می‌زاروس، فورمن و اسکایر، ۲۰۰۲) و بیماری آلکسیثیما بسیار اثرگذار است (توربرگ، یانگ، سالیوان و لیورز، ۲۰۱۱). به علاوه، نتایج مطالعات پژوهشگران حاکی از آن است کودکانی که تعامل و ارتباط بیشتری با پدرانشان دارند، در مقایسه با کودکانی که روابط کمتری با پدر خود دارند، به کسب مهارت‌ها و شایستگی‌های شناختی و اجتماعی (ویلیامز و رادین، ۱۹۹۹)، همدلی (لمب و تامیس-لموندا، ۲۰۰۴) و سازگاری روانشناختی بالا (پلک، ۲۰۰۷) تمایل بیشتری داشته و به رفتار کردن بر اساس کلیشه‌های جنسیتی (پلک، ۲۰۰۷؛ لمب و تامیس-لموندا، ۲۰۰۴) تمایل کمتری نشان می‌دهند.

علی‌رغم این که بسیاری از محققان، ساختار دو عاملی ابزار پیوند والدینی (PBI) را تأیید کرده و مورد استفاده قرار داده‌اند (آریندل، هنولد و کولک، ۱۹۸۹؛ کازارین، بیکر و هلمز، ۱۹۸۷؛ مک کینون، هندرسون، اسکات و دانکن-جونز، ۱۹۸۹)، عده‌ای از محققان ساختاری سه عاملی را پیشنهاد کرده‌اند (کندلر، ۱۹۹۶؛ کوبیس، لوین و داوس، ۱۹۸۹؛ گومز-بنیتو، پدروس، توماس، آگیلر و لیل، ۱۹۹۳؛ مورفی، بروین و سیلکا، ۱۹۹۷). در واقع، بعد از ارائه الگوی اولیه پیوند والدینی، به دنبال علاقمندی بسیاری از محققان به بررسی ساختار سه عاملی آن، چهار الگوی دیگر هم مطرح شد. تفاوت اساسی الگوی اولیه پیوند والدینی با الگوهای دیگر در این است که چهار الگوی بعدی، با استفاده از تحلیل عوامل به ساختاری سه عاملی دست یافته‌اند. به عبارتی، محققانی که معتقد بودند پیوند والدینی از سه عامل تشکیل شده است، با قبول عامل مراقبت به عنوان عامل اول، عامل حفاظت افراطی را به دو عامل دیگر

1. Tupling & Brown

2. Ainsworth

3. Uzi, Tanaka, Shono & Kitamura

4. Grolnick & Ryan

5. Gao, Raine, Chan, Venables & Mednick

6. Willinger, Heiden, Meszaros, Formann & Aschauer

7. Thorberg, Young, Sullivan & Lyvers

8. Williams & Radin

9. Lamb & Tamis-Lemonda

1. Pleck

1. parental bonding instrument (PBI)

1. Arrindell, Hanewald & Kolk

1. Kazarian, Baker & Helmes

1. Mackinnon, Henderson, Scott & Duncan-Jones

1. Kendler

1. Cubis, Lewin & Dawes

1. Gomez-Beneyto, Pedros, Tomas, Aguilař & Leal

1. Murphy, Brewin & Silka

تقسیم کردند. آن‌ها با توجه به نتیجه‌ای که از پژوهش‌های خویش به دست آوردند، این دو عامل را به طور متفاوتی نام‌گذاری کردند. به این صورت که، به جای حفاظت افراطی، کندلر (۱۹۹۶) اصطلاح «حفاظتی» و «استبداد»، کوبیس و همکاران (۱۹۸۹) اصطلاح «حفاظت: حوزه شخصی» و «حفاظت: حوزه اجتماعی»، گومز-بنیتو و همکاران (۱۹۹۳) اصطلاح «حفاظت افراطی» و «بازدارنده» و مورفی و همکاران (۱۹۹۷) اصطلاح «انکار خودمختاری روانشناختی» و «تشویق آزادی رفتاری» را مطرح کردند (جدول ۱ ملاحظه شود).

جدول ۱. الگوهای پنج گانه PBI (اقتباس از ترا و همکاران، ۲۰۰۹)

الگوها	الگوهای سه عاملی		الگوی دو عاملی	الگوها
	مورفی و همکاران (۱۹۹۷)	کندلر (۱۹۹۶)		
ماده‌های عامل مراقبت	مراقبت (۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۱۱، ۱۲، ۱۴)	مراقبت (۱)	مراقبت (۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۱۱)	مراقبت (۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۱۱)
	(۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۴)	(۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۴۵)	(۱۲، ۱۴، ۱۷، ۱۸)	(۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۴)
ماده‌های عامل حفاظت افراطی	انکار خودمختاری روانشناختی (۸، ۹، ۱۳، ۲۳، ۲۰، ۱۹)	حفاظتی (۸، ۹، ۱۳، ۱۹، ۲۳)	حفاظت افراطی (۸، ۹، ۱۳، ۱۹، ۲۲، ۲۵)	حفاظت افراطی (۳، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۳)
	(۳، ۷، ۱۵، ۲۱، ۲۲، ۲۵)	(۷، ۱۵، ۲۱، ۲۵)	(۳، ۷، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۲۴)	(۳، ۷، ۹، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۲۵)

بعد از مطرح شدن الگوهای سه عاملی PBI، محققان کشورهای اروپایی (هایدر^۲ و همکاران، ۲۰۰۵) و کشورهای مختلفی از جمله ژاپن (ساتو و همکاران، ۱۹۹۹؛ یوجی و همکاران، ۲۰۰۶)، اسکاتلند (شامبرس، پاور، لوکس و سانسون^۳، ۲۰۰۰)، برزیل (ترا و همکاران، ۲۰۰۹)، ایتالیا (فوارتو، تورسانی و زیمرمن^۴، ۲۰۰۱)، پاکستان (کدیر، استوارت، خان و پرینس^۵، ۲۰۰۵) و چین (لی-یو، لی و فنگ^۶، ۲۰۱۱) بر آن شدند تا با اعتبار سنجی یا هنجاریابی این الگوها، به انتخاب الگوی مناسب برای کشورشان بپردازند. نتیجه این پژوهش‌ها نشان داد که در مورد سه عاملی بودن PBI، بین محققان توافق کلی وجود دارد؛ چرا که پیوند والدینی سه عاملی، در مقایسه با پیوند والدینی دو عاملی، توان بیشتری را برای مطالعه در زمینه تفاوت‌های گروهی دارد (لی-زاردی و کلین^۷، ۲۰۰۲؛ کوکس، انس و کلار^۸، ۲۰۰۰). بنابراین، از آنجا که PBI به عنوان مقیاسی جامع، به منظور بررسی شیوه‌های فرزندپروری توسط پژوهشگران به کار برده می‌شود و تا به حال هیچ پژوهشی به بررسی الگوهای مطرح در تاریخچه پیوند والدینی در ایران نپرداخته است، مطالعه در این حیطه

1. Terra
2. Heider
3. Sato
4. Chambers, Power, Loucks & Swanson
5. Favaretto, Torresani & Zimmermann
6. Qadir, Stewart, Khan & Prince
7. Liu, Li & Fang
8. Lizardi & Klein
9. Cox, Enns & Clara

ضروری به نظر می‌رسد. از طرفی، مطالعه در این زمینه می‌تواند سرآغازی برای انجام پژوهش‌های آتی باشد. در نتیجه، هدف اساسی پژوهش حاضر، شناخت مناسب‌ترین الگوی PBI در بین پنج الگوی آن است.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر توصیفی از نوع اعتباریابی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر سال سوم دبیرستان‌های دولتی شهرستان اردبیل بود که در نیمسال اول تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲، در رشته‌های ریاضی-فیزیک و تجربی مشغول به تحصیل بودند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. به این صورت که، ابتدا از بین ۳۱ دبیرستان دولتی دخترانه در نواحی ۱ و ۲ آموزش و پرورش، ۷ دبیرستان و سپس از هر دبیرستان، ۱ یا ۲ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد؛ که در نهایت، ۲۵۶ دانش‌آموز، نمونه پژوهش را تشکیل دادند. میانگین و انحراف معیار سن دانش‌آموزان به ترتیب ۱۶/۵۳ و ۰/۵۰ بود. همچنین، ۲۳/۸٪ دانش‌آموزان از رشته ریاضی-فیزیک و ۷۶/۲٪ دانش‌آموزان از رشته تجربی بودند.

ابزار

نسخه اولیه PBI توسط پارکر و همکاران (۱۹۷۹) طراحی شده است و ۲۵ ماده دارد. این ابزار به منظور سنجش چگونگی ادراک افراد بالای ۱۶ سال از میزان مراقبت و حفاظت افراطی والدین ساخته شده است. در هر قسمت از خرده مقیاس‌های پیوند مادرانه و پیوند پدرانه، ۱۲ ماده برای سنجش مراقبت و ۱۳ ماده برای سنجش حفاظت افراطی طراحی شده است که نمره کل پرسشنامه با جمع نمره‌های PBI پدر (۲۵ ماده) و نمره‌های PBI مادر (۲۵ ماده) به دست می‌آید. این ابزار بر روی یک طیف ۴ درجه‌ای از نوع لیکرت (از خیلی خوب = ۴، تا خیلی بد = ۱) قرار دارد. برای مثال «مادرم اکثراً به من لیخند می‌زد». پارکر و همکاران (۱۹۷۹) پایایی PBI را با استفاده از روش اجرای مجدد، در عامل مراقبت ۰/۷۶ و در عامل حفاظت افراطی ۰/۶۳ گزارش کرده‌اند. همچنین آن‌ها روایی همزمان، سازه‌ای و پیش بین PBI را مطلوب گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر برای سنجش الگوی دو عاملی PBI از ابزار پارکر و همکاران (۱۹۷۹) استفاده شد. همچنین، برای سنجش چهار الگوی سه عاملی PBI، ماده‌های الگوی دو عاملی آن مطابق با جدول ۱، به کار برده شد. به علاوه، برای انجام پایایی PBI از روش‌های آلفای کرونباخ و تنصیف اسپیرمن-برون و برای مطالعه روایی آن از تحلیل عامل تأییدی استفاده شد.

یافته‌ها

پایایی پنج الگوی PBI در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ و تنصیف اسپیرمن-برون به دست آمد که در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. ضرایب پایایی الگوهای پنج‌گانه PBI

تنصیف اسپیرمن-برون		آلفای کرونباخ		الگوهای مختلف PBI
مادر	پدر	مادر	پدر	
۰/۸۸	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۸۷	مراقبت پارکر و همکاران (۱۹۷۹)
۰/۵۹	۰/۷۳	۰/۷۵	۰/۷۶	حفاظت افراطی
۰/۸۸	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۸۷	مراقبت کوبیس و همکاران (۱۹۸۹)
۰/۲۸	۰/۲۹	۰/۴۹	۰/۴۵	حفاظت: حوزه شخصی
۰/۷۱	۰/۷۷	۰/۷۸	۰/۷۸	حفاظت: حوزه اجتماعی
۰/۸۶	۰/۸۷	۰/۸۹	۰/۸۶	مراقبت گومز-بنیتو و همکاران (۱۹۹۳)
۰/۳۸	۰/۵۳	۰/۵۰	۰/۵۲	حفاظت افراطی

بازدارنده	۰/۷۰	۰/۶۹	۰/۶۵	۰/۶۲
مراقبت	۰/۸۴	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۸۸
حفاظتی	۰/۵۲	۰/۵۷	۰/۵۱	۰/۴۸
استبداد	۰/۷۵	۰/۷۶	۰/۶۶	۰/۶۵
مراقبت	۰/۸۷	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۸۸
انکار خودمختاری روانشناختی	۰/۵۹	۰/۶۳	۰/۵۹	۰/۵۴
تشویق آزادی رفتاری	۰/۷۹	۰/۸۲	۰/۶۹	۰/۶۹

کندلر (۱۹۹۶)

مورفی و همکاران (۱۹۹۷)

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود اکثر عوامل پنج الگوی PBI دارای همسانی درونی بالای ۰/۶۰ هستند. با این حال، در عامل «مراقبت»، الگوهای پارکر و همکاران (۱۹۷۹)، کوبیس و همکاران (۱۹۸۹) و مورفی و همکاران (۱۹۹۷)، با استفاده از روش های آلفای کرونباخ و تنصیف اسپیرمن-برون، دارای بالاترین ضرایب پایایی و الگوهای کندلر (۱۹۹۶) و گومز-بنیتو و همکاران (۱۹۹۳) در این عامل، دارای پایین ترین ضرایب پایایی هستند. همچنین در عوامل «حفاظت: حوزه اجتماعی» و «حفاظت افراطی»، به ترتیب الگوهای کوبیس و همکاران (۱۹۸۹) و پارکر و همکاران (۱۹۷۹) دارای بالاترین ضرایب پایایی و عوامل «حفاظت: حوزه شخصی» و «حفاظت افراطی» در الگوهای کوبیس و همکاران (۱۹۸۹) و گومز-بنیتو و همکاران (۱۹۹۳) دارای پایین ترین ضرایب پایایی هستند. علاوه بر این، برای اعتبارسنجی پنج الگوی PBI از تحلیل عامل تأییدی با استفاده از نرم افزار AMOS نسخه ۱۶ استفاده شد. جدول ۳ بارهای عاملی ماده های PBI را نشان می دهد.

جدول ۳. بارهای عاملی ماده های PBI در الگوهای مختلف

ابزار	پارکر و همکاران (۱۹۷۹)		کوبیس و همکاران (۱۹۸۹)		گومز-بنیتو و همکاران (۱۹۹۳)		کندلر (۱۹۹۶)		مورفی و همکاران (۱۹۹۷)	
	مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر
۱ ماده ها	۰/۷۷	۰/۷۶	۰/۷۶	۰/۷۵	۰/۷۸	۰/۷۷	۰/۷۸	۰/۷۶	۰/۷۷	۰/۷۶
۲	۰/۶۶	۰/۵۴	۰/۶۶	۰/۵۴	۰/۶۷	۰/۵۳	۰/۶۷	-	۰/۵۴	۰/۶۶
۳	۰/۷۷	۰/۶۴	۰/۷۶	۰/۶۵	۰/۷۷	۰/۶۵	۰/۷۷	-	۰/۶۵	۰/۷۶
۴	۰/۷۴	۰/۷۲	۰/۷۴	۰/۷۲	۰/۷۳	۰/۷۲	۰/۷۳	۰/۷۱	۰/۷۲	۰/۷۴
۵	۰/۷۴	۰/۵۸	۰/۷۴	۰/۵۸	۰/۷۵	۰/۵۸	۰/۷۵	۰/۷۴	۰/۵۸	۰/۷۴
۶	۰/۷۹	۰/۷۵	۰/۷۹	۰/۷۵	۰/۷۸	۰/۷۶	۰/۷۸	-	۰/۷۵	۰/۷۹
۷	۰/۸۰	۰/۷۷	۰/۸۰	۰/۷۹	۰/۷۸	۰/۷۹	۰/۷۸	۰/۸۶	۰/۷۹	۰/۸۰
۸	۰/۲۹	۰/۱۷	۰/۲۹	۰/۰۲	۰/۱۴	۰/۱۵	۰/۲۷	۰/۴۴	۰/۲۳	۰/۳۷
۹	۰/۳۷	۰/۴۱	۰/۳۷	۰/۳۸	۰/۳۶	۰/۵۸	۰/۴۳	۰/۵۲	۰/۶۲	۰/۵۲
۱۰	۰/۴۴	۰/۳۹	۰/۴۴	۰/۰۵	۰/۴۲	-	-	-	-	-
۱۱	۰/۷۱	۰/۵۹	۰/۷۱	۰/۵۹	۰/۷۱	۰/۶۰	۰/۷۱	۰/۷۲	۰/۶۰	۰/۷۲
۱۲	۰/۷۸	۰/۷۰	۰/۷۸	۰/۷۰	۰/۷۸	۰/۷۰	۰/۷۸	۰/۷۹	۰/۷۰	۰/۷۸
۱۳	۰/۱۵	۰/۱۴	۰/۱۵	-۰/۰۱	۰/۰۶	۰/۲۱	۰/۱۶	۰/۲۹	۰/۴۷	۰/۴۳
۱۴	۰/۴۱	۰/۴۳	۰/۴۱	۰/۴۳	۰/۴۱	۰/۴۳	۰/۴۱	-	-	۰/۴۱
۱۵	۰/۷۳	۰/۷۹	۰/۷۳	۰/۸۰	۰/۷۳	۰/۷۹	۰/۷۱	۰/۸۳	۰/۷۶	۰/۷۳

Investigating The Reliability and Validation of the Parental Bonding(PBI) in students Instrument

۰/۶۴	۰/۵۶	-	-	-	-	۰/۶۴	۰/۵۸	۰/۶۴	۰/۵۷	۱۶
۰/۷۳	۰/۷۰	۰/۷۳	۰/۷۱	۰/۷۳	۰/۷۰	۰/۷۴	۰/۷۰	۰/۷۴	۰/۷۰	۱۷
۰/۶۶	۰/۶۴	۰/۶۸	۰/۶۶	۰/۶۵	۰/۶۴	۰/۶۶	۰/۶۴	۰/۶۶	۰/۶۴	۱۸
۰/۳۵	۰/۳۹	۰/۳۰	۰/۴۲	-۰/۰۴	۰/۲۱	-۰/۴۴	-۰/۰۴	-۰/۲۲	۰/۰۰۷	۱۹
۰/۵۴	۰/۴۷	-	-	۰/۱۲	۰/۳۰	۰/۱۲	۰/۲۹	۰/۱۳	۰/۳۲	۲۰
۰/۶۳	۰/۶۱	۰/۵۴	۰/۵۵	۰/۶۲	۰/۶۰	۰/۶۴	۰/۶۱	۰/۶۰	۰/۶۲	۲۱
۰/۵۰	۰/۴۶	-	-	۰/۵۸	۰/۶۰	۰/۵۱	۰/۴۶	۰/۴۸	۰/۴۸	۲۲
۰/۶۴	۰/۵۶	۰/۵۷	۰/۵۶	-	-	-۰/۰۱	-۰/۰۰۶	۰/۱۹	۰/۲۸	۲۳
۰/۴۵	۰/۵۰	-	-	۰/۳۶	۰/۲۵	۰/۴۶	۰/۵۱	۰/۴۵	۰/۵۰	۲۴
۰/۴۸	۰/۴۶	۰/۴۴	۰/۴۶	۰/۵۷	۰/۴۹	۰/۴۹	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۷	۲۵

P<۰/۰۰۱

مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهند که اکثر ماده‌های PBI دارای ضرایب بالایی هستند. یعنی اکثر ماده‌ها روی عامل‌های مربوط به خود بار معنی دار، در سطح $p < 0/001$ داشته‌اند. با ملاحظه جدول ۳ می‌توان دریافت که بیشترین بار عاملی مربوط به ماده ۷ (۰/۸۶) در الگوی کندلر (۱۹۹۶) مادر و کمترین بار عاملی مربوط به ماده ۲۳ (۰/۰۰۶-) در الگوی کویس و همکاران (۱۹۸۹) مادر است. همچنین، ماده ۷ و ۱۵ در همه الگوها دارای بالاترین بار عاملی و ماده‌های ۱۹، ۱۳ و ۲۳ نیز در اکثر الگوها دارای پایین‌ترین بار عاملی می‌باشند. جدول ۴ نیز مقادیر شاخص‌های برازندگی حاصل از تحلیل عامل تأییدی الگوهای مربوط به PBI را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج تحلیل عامل تأییدی الگوهای پنج‌گانه PBI

شاخص‌های برازندگی										
AGFI	GFI	TLI	IFI	CFI	NFI	RMSEA	χ^2/df	χ^2	df	الگوهای پیوند والدینی
۰/۷۷	۰/۸۱	۰/۷۷	۰/۷۹	۰/۷۹	۰/۷۰	۰/۰۷	۲/۵۸	۷۰۷/۵۹۶	۲۷۴	PBI مادر
۰/۷۲	۰/۷۶	۰/۷۵	۰/۷۷	۰/۷۷	۰/۷۰	۰/۰۹	۳/۲۱۲	۸۸۰/۰۶۹	۲۷۴	PBI پدر
۰/۷۳	۰/۷۷	۰/۷۷	۰/۷۹	۰/۷۹	۰/۷۲	۰/۰۸	۳/۰۳	۸۲۶/۳۶۹	۲۷۲	PBI مادر
۰/۷۸	۰/۸۲	۰/۷۹	۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۷۲	۰/۰۷	۲/۴۰	۶۵۴/۹۶۳	۲۷۲	PBI پدر
۰/۷۵	۰/۸۰	۰/۷۷	۰/۷۹	۰/۷۹	۰/۷۳	۰/۰۹	۳/۳۶	۶۹۳/۶۲۶	۲۰۶	PBI مادر
۰/۷۹	۰/۸۳	۰/۷۸	۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۷۳	۰/۰۸	۲/۶۶	۵۴۸/۵۳۵	۲۰۶	PBI پدر
۰/۸۰	۰/۸۵	۰/۸۱	۰/۸۴	۰/۸۴	۰/۷۹	۰/۰۹	۳/۴۳	۳۴۶/۹۰۷	۱۰۱	PBI مادر
۰/۸۵	۰/۸۹	۰/۸۳	۰/۸۶	۰/۸۶	۰/۷۹	۰/۰۸	۲/۶۳	۲۶۵/۸۴۰	۱۰۱	PBI پدر
۰/۷۷	۰/۸۱	۰/۸۰	۰/۸۲	۰/۸۲	۰/۷۵	۰/۰۸	۲/۸۳	۷۰۴/۸۸۰	۲۴۹	PBI مادر
۰/۸۲	۰/۸۵	۰/۸۳	۰/۸۵	۰/۸۵	۰/۷۵	۰/۰۶	۲/۱۸	۵۴۴/۲۴۴	۲۴۹	PBI پدر

شاخص‌های نیکویی برازش جدول ۴ نشان می‌دهند که الگوهای سه عاملی PBI در مقایسه با الگوی دو عاملی آن از برازندگی خوبی برخوردار هستند. به عبارتی شاخص‌های برازندگی *TLI*، *NFI*، *CFI*، *IFI* در الگوهای سه عاملی به ۰/۹۰ نزدیکتر هستند، و دلالت بر برازندگی مطلوب و مناسب دارند. همچنین، خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) در صورتی که کمتر از ۰/۰۵ باشند دلالت بر برازش بهتر دارند. علی‌رغم اینکه این شاخص در همه الگوهای BPI بزرگتر از ۰/۰۵ است اما میزان این شاخص در ساختارهای سه عاملی آن، خصوصاً در الگوی مورفی و همکاران مقادیر مطلوب‌تری را نشان می‌دهد. از طرفی، اگر مجذور کای (χ^2) از لحاظ آماری معنادار نباشد، بر برازندگی مناسب الگو دلالت می‌کند، این شاخص در نمونه‌های بزرگ‌تر معمولاً معنادار است و از این رو شاخص مناسبی برای برازندگی الگو تلقی نمی‌شود، با این حال به عنوان شاخص برازش مطلق الگو مورد استفاده قرار می‌گیرد. مقدار χ^2 در الگوی پارکر، هم در ابزار پدر و هم مادر، به طور معنی‌داری بزرگ‌تر از چهار الگوی دیگر است و این مطلب بیانگر آن است که الگوی دو عاملی پیوند والدینی نسبت به چهار الگوی سه عاملی، برازش ضعیف‌تری با داده‌ها دارد. در میان الگوهای سه عاملی، الگوی کندلر بهترین برازش را با داده‌ها نشان می‌دهد. مقدار χ^2 (۳۴۶/۹۰۷ و ۲۶۵/۸۴۰) الگوی کندلر در مقایسه با سایر الگوهای سه عاملی کوچک‌تر است؛ مقدار GFI الگوی کندلر، هم در ابزار پدر (۰/۸۹) و هم مادر (۰/۸۵) به ۰/۹ نزدیک‌تر است و این نتایج نشان دهنده برازندگی مطلوب این ساختار است. بعد از الگوی کندلر، دومین الگوی مناسب، الگوی مورفی و همکاران است، چرا که بزرگ‌تر بودن مقادیر GFI و AGFI در الگوی مورفی و همکاران نشان دهنده برازندگی قابل قبول آن است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، تعیین پایایی و انجام تحلیل عامل تأییدی PBI به منظور مقایسه ساختارهای مختلف آن و شناسایی برازنده‌ترین الگوی PBI در بین دانش‌آموزان ایرانی بود. نتیجه پژوهش حاضر نشان داد که همه الگوهای PBI در عامل مراقبت، ضرایب پایایی و همسانی درونی بالایی دارند و بقیه عوامل آن دارای ضرایب قابل قبول و گاهاً ضعیفی هستند. در تبیین این یافته می‌توان چنین استدلال کرد که علت پایین بودن ضرایب پایایی در ابعاد حفاظت افراطی آن است که تعداد ماده‌ها در این عوامل کم است و با کاهش تعداد ماده‌ها، مقادیر ضرایب پایایی نیز کاهش می‌یابد. محققان معتقدند که PBI، ابزاری پایا و روا برای سنجش ادراک فرد از شیوه فرزندپروری والدین است که با گزارش والدین فرد و سایر اعضای خانواده وی هماهنگ می‌باشد (پارکر، ۱۹۸۱؛ پارکر، ۱۹۸۳؛ پارکر و لپسکومب، ۱۹۸۱).

علاوه بر این، نتیجه تحلیل عامل تأییدی پژوهش حاضر نشان داد که الگوی دو عاملی PBI - الگوی پارکر (۱۹۷۹) - در مقایسه با الگوهای سه عاملی آن، برازش نسبتاً مطلوبی با داده‌ها دارد. به عبارتی الگوهای سه عاملی PBI در مقایسه با الگوی دو عاملی آن، برازش مطلوب‌تری با داده‌های پژوهش نشان می‌دهند. این یافته با نتیجه پژوهش‌های کوبیس و همکاران (۱۹۸۹)، گومز-بنیتو و همکاران (۱۹۹۳)، کندلر (۱۹۹۶) و مورفی و همکاران (۱۹۹۷) همسو می‌باشد. موهر، پریسیگ، فنتون و فررو (۱۹۹۹) معتقدند که عامل حفاظت افراطی باید به دو عامل مجزا تقسیم شود، چرا که یک مقیاس سه عاملی، توانایی بالایی برای نشان دادن رفتارهای فرزندپروری والدین خواهد داشت. محققان معتقدند که استفاده از ساختارهای سه عاملی PBI در پژوهش‌های اخیر روند رو به رشدی داشته و در مطالعات متعدد و در بافت‌های فرهنگی مختلف، توان بالایی را برای پیش‌بینی مسائل متفاوت روانشناختی به دست آورده است (مورفی، ویکراماراتنی و ویسمن، ۲۰۱۰؛ مینس، جونز، فرنیهوگ، هارندال و کورونیس، ۲۰۰۸).

همچنین، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که همه الگوهای سه عاملی PBI از برازندگی یکسانی برخوردار نیستند، بلکه به ترتیب الگوی کندلر (۱۹۹۶) با عوامل پیوندی مراقبت، حفاظتی و استبداد و بعد از آن، الگوی مورفی و همکاران (۱۹۹۷) با عوامل پیوندی مراقبت، انکار خودمختاری روانشناختی و تشویق آزادی رفتاری برازش بهتری با داده‌های پژوهش حاضر دارند. این یافته با نتایج مطالعات ترا و همکاران (۲۰۰۹) و کوکس و همکاران (۲۰۰۰) هماهنگ بوده و با مطالعه آریندل و همکاران (۱۹۸۹) و کازارین و همکاران (۱۹۸۷) همسو نیست. مک کینون و همکاران (۱۹۸۹) نیز با به دست آوردن ارزش بالایی برای شاخص AGFI در الگوی دو

1. Lipscombe

2. Mohr, Preisig, Fenton & Ferrero

3. Wickramaratne & Weissman

4. Meins, Jones, Fernyhough, Hurndall & Koronis

Investigating The Reliability and Validation of the Parental Bonding(PBI) in students Instrument

عاملی پیوند والدینی، در نمونه وسیعی از کشور استرالیا، معتقدند که تحلیل عامل تأییدی در بافت‌های فرهنگی مختلف، ممکن است نتایج متفاوتی به همراه داشته باشد. با این حال، ساتو و همکاران (۱۹۹۹) در توضیح دو یا سه عاملی بودن PBI معتقدند که هم اکنون PBI به طور گسترده‌ای در سراسر دنیا در حال استفاده است و نتیجه بسیار مهمی که از این مطالعات به دست آمده است، این است که یک مقایسه مناسب از الگوهای PBI در کشورهای مختلف، مستلزم وجود ساختارهای عاملی ثابتی از این ابزار در فرهنگ‌های مختلف است. این محققان توضیح می‌دهند که الگوی کندلر، ساختار عاملی رضایت بخشی دارد و ممکن است یک گزینه پایایی برای یک ساختار عاملی باثبات باشد که امکان مقایسه بین فرهنگی PBI را فراهم کند. از آنجایی که پژوهش حاضر تنها به بررسی پایایی و تحلیل عامل تأییدی الگوهای PBI تمرکز دارد؛ در نتیجه، یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر عدم بررسی الگوهای مختلف PBI با متغیرهای روانشناختی دیگر است. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود که الگوهای PBI و به خصوص الگوی سه عاملی کندلر (۱۹۹۶) را با متغیرهای دیگر و در زیرگروه‌های سنی و جنسی متفاوت بررسی کنند.

منابع

- شهنی‌بیلاق، منیجه؛ بساک‌نژاد، سودابه؛ محبی، مینا (۱۳۹۰). رابطه علی پیوند والدینی با خودناتوان‌سازی و اعتماد به خود با میانجی‌گری پدیده وانمودگرایی در دانشجویان. *دو فصلنامه مشاوره کاربردی*، ۱ (۲)، ۹۷-۱۱۸.
- Ainsworth, M. D. S., & Bowlby, J. (1991). An ethological approach to personality development. *American Psychologist*, 46, 331-341.
- Arrindell, W. A., Hanewald, G. J. F. P., & Kolk, A. M. (1989). Cross-national constancy of dimensions of parental rearing style: The Dutch version of the Parental Bonding Instrument (PBI). *Personality and Individual Differences*, 10, 949-956.
- Chambers, J. A., Power, k. g., Loucks, N., & Swanson. (2000). Psychometric properties of the Parental Bonding Instrument and its association with psychological distress in a group of incarcerated young offenders in Scotland. *Soc Psychiatr Epidemiol*, 35, 318-325.
- Cox, B., Enns, M., & Clara, I. (2000). The Parental Bonding Instrument: Confirmatory evidence for a three-factor model in a psychiatric clinical sample and in the National Comorbidity Survey. *Social Psychiatric Epidemiology*, 35, 353-357.
- Cubis, J., Lewin, T., & Dawes, F. (1989). Australian adolescents' perceptions of their parents. *Australian and New Zealand Journal of Psychiatry*, 23, 35-47.
- Favaretto, E., Torresani, S., & Zimmermann, C. (2001). Further results on the reliability of the Parental Bonding Instrument (PBI) in an Italian sample of schizophrenic patients and their parents. *Journal of Clinical Psychology*, 57(1), 119-129.
- Gao, Y., Raine, A., Chan, F., Venables, P. H., & Mednick, S. A. (2010). Early maternal and paternal bonding, childhood physical abuse and adult psychopathic personality. *Psychological Medicine*, 40, 1007-1016.
- Gomez-Beneyto, M., Pedros, A., Tomas, A., Aguilar, K., & Leal, C. (1993). Psychometric properties of the Parental Bonding Instrument in a Spanish sample. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 28, 252-255.
- Grolnick, W. S., & Ryan, R. M. (1988). Parent styles associated with children's self-regulation and competence in school. *Journal of Educational Psychology*, 81, 14-154.
- Heider, D., Matschinger, H., Bernert, S., Alonso, J., Brugha, T. S., Bruffaerts, R., Girolamo, G., Dietrich, S., & Angermeyer, M. C. (2005). Adverse parenting as a risk factor in the occurrence of anxiety disorders. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 43, 266-272.
- Kazarian, S. S., Baker, B. & Helmes, E. (1987). The Parental Bonding Instrument: Factorial structure. *British Journal of Clinical Psychology*, 26, 231-232.
- Kendler, K. S. (1996). Parenting: A genetic-epidemiologic perspective. *American Journal of Psychiatry*, 153, 11-20.
- Lamb, M. E., & Tamis-LeMonda, C. (2004). The role of father. In M. E. Lamb (Ed.). *The role of the father in child development* (pp. 1-31). New York: Wiley.
- Liu, J., Li, L., & Fang, F. (2011). Psychometric properties of the Chinese version of the parental bonding instrument. *International Journal of Nursing Studies*, 48, 582-589.
- Lizardi, H., & Klein, D. (2002). Evidence of increased sensitivity using a three-factor version of the Parental Bonding Instrument. *The Journal of Nervous and Mental Disease*, 190, 9.
- Mackinnon, A. J., Henderson, A. S., Scott, R., & Duncan-Jones, P. (1989). The Parental Bonding Instrument (PBI): An epidemiological study in a general population sample. *Psychological Medicine*, 19, 1023-1034.

- Meins, E., Jones, S. R., Fernyhough, C., Hurndall, S., & Koronis, P. (2008). Attachment dimensions and schizotypy in a non-clinical sample. *Personality and Individual Differences*, 44, 1000-1011.
- Mohr, S., Preisig, M., Fenton, B. T., & Ferrero, F. (1999). Validation of the French version of the parental bonding instrument in adults. *Personality and Individual Differences*, 26, 1065-1074.
- Murphy, E., Brewin, C., & Silka, L. (1997). The assessment of parenting using Parental Bonding Instrument: Two or three factors? *Psychological Medicine*, 27, 333-342.
- Murphy, E., Wickramaratne, P., & Weissman, M. (2010). The stability of parental bonding reports: A 20-year follow-up. *Journal of Affective Disorders*, 125(1), 307-315.
- Parker, G. (1979). Reported parental characteristics of agoraphobics and social phobics. *British Journal of Psychiatry*, 135, 550-560.
- Parker, G. (1981). Parental reports of depressives: An investigation of several explanations. *Journal of Affective Disorders*, 3, 131-140.
- Parker, G. (1983). *Parental overprotection: A risk factor in psychosocial development*. New York: Grune & Stratton.
- Parker, G. & Lipscombe, P. (1981). Influences on maternal overprotection. *British Journal of Psychiatry*, 138, 303-311.
- Parker, G., Tupling, H. & Brown, L. B. (1979). A Parental Bonding Instrument. *British Journal of Medical Psychology*, 52, 1-10.
- Pleck, J. H. (2007). Why could father involvement benefit children? Theoretical perspectives. *Applied Development Science*, 11, 196-202.
- Qadir, F., Stewart, R., Khan, M., & Prince, M. (2005). The validity of the Parental Bonding Instrument as a measure of maternal bonding among young Pakistani women. *Soc Psychiatry Psychiatr Epidemiol*, 40, 276-282.
- Sato, T., Narita, T., Hirano, S., Kusunoki, K., Sakado, K., & Uehara, T. (1999). Confirmatory factor analysis of the Parental Bonding Instrument in a Japanese Population. *Psychological Medicine*, 29, 127-133.
- Terra, L., Hauck, S., Schestatsky, S., Fillipon, A. P., Sanchez, P., Hirakata, V., & Ceitlin, L. H. (2009). Confirmatory factor analysis of the Parental Bonding Instrument in a Brazilian female population. *Australian and New Zealand Journal of Psychiatry*, 43, 348-354.
- Thorberg, F. A., Young, R. McD., Sullivan, K. A., & Lyvers, M. (2011). Parental bonding and alexithymia: A meta-analysis. *European Psychiatry*, 26, 187-193.
- Uji, M., Tanaka, N., Shono, M., & Kitamura, T. (2006). Factorial structure of the Parental Bonding Instrument (PBI) in Japan: A Study of cultural, developmental, and gender influences. *Child Psychiatry and Human Development*, 37, 115-132.
- Williams, E., & Radin, N. (1999). Effects of father participation in child rearing: Twenty-year follow-up. *American Journal of Orthopsychiatry*, 69, 328-336.
- Willinger, U., Heiden, A. M., Meszaros, K., Formann, A. K., & Aschauer, H. N. (2002). Maternal bonding behaviour in schizophrenia and schizoaffective disorder, considering premorbid personality traits. *Australian and New Zealand Journal of Psychiatry*, 36, 663-668.



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی